

واژگان خیلی ضروری در زبان انگلیسی

504

ABSOLUTELY ESSENTIAL WORDS

Sixth Edition

Murray Bromberg,
Julius Liebb,
and Arthur Traiger

خودآموز واژگان خیلی ضروری

قابل استفاده برای دانشجویان شرکت کننده در آزمون های

ESL, TOEFL, TOLIMO, GRE, ...

ترجمه حمیدرضا بلوچ

Teach yourself the vocabulary you need for academic success

- Middle school and high school students
- Students preparing to take ESL exam
- 42 word-building exercises- 12 new words in each lesson
- Definitions, sample sentences, short articles demonstrating new words and how they're used in given contexts



BARRON'S

- سرشناسه: برامبرگ، مورای. Bromberg, Murray
- عنوان و نام پدیدآورنده: ۵۰۴ واژه خیلی ضروری در زبان انگلیسی
- مشخصات نشر: تهران، شاهنگ، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری: ۳۱۰ ص. - مصور (رنگی)، نمودار (رنگی)، ۲۲ × ۲۹ س. م.
- ISBN 978-600-130-129-2
- وضعیت فهرست‌نویسی: قیای مختصر
- یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nliai.ir> قابل دسترسی است
- یادداشت: واژه‌نامه ■ شناسه افزوده: لیب، جولیس، نویسنده همکار
- شناسه افزوده: Liebb, Julius ■ شناسه افزوده: تریگر، آرتور ■ یادداشت: Traiger, Arthur
- شناسه افزوده: بلوچ، حمید، ۱۳۳۸ = ■ شماره کتابشناسی‌علی: ۳۸۲۳۷۹۳



انتشارات شاهنگ

۵۰۴ واژه خیلی ضروری در زبان انگلیسی
براساس

504 ABSOLUTELY ESSENTIAL WORDS

| نویسندگان: مورای برامبرگ، جولیس لیب، آرتور تریگر | برگردان: حمیدرضا بلوچ |
| ویراستار: پرویز جلالیان شیرین |
| صفحه‌آرایی: شهرام فرجی | لیتوگرافی: صدف | چاپ: جمالی | صحافی: مهرگان |
| چاپ اول: ۱۳۹۴ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | شابک: ۲-۱۳۹-۱۳۰-۶۰۰-۹۷۸ |

حق چاپ محفوظ است

فروشگاه انقلاب، خیابان انقلاب، پلاک ۱۱۹۳، تلفن ۶۶۴۹۱۵۹۸

فروشگاه فروردین، خیابان انقلاب، خیابان فروردین، ساختمان ناشران، پلاک ۱۶، تلفن ۶۶۴۱۳۱۷۵

دفتر مرکزی و مرکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان شهیدای ژاندارمری، پلاک ۴۹، تلفن ۶-۶۶۹۴۲۳۵، فاکس ۶۶۴۶۰۳۶۵

Contents

Lesson 1	7	Lesson 26	115
Lesson 2	11	Lesson 27	119
Lesson 3	15	Lesson 28	123
Lesson 4	19	Lesson 29	127
Lesson 5	23	Lesson 30	131
Lesson 6	27	Word Review 5	135
Word Review 1	31	Lesson 31	137
Lesson 7	33	Lesson 32	141
Lesson 8	37	Lesson 33	145
Lesson 9	41	Lesson 34	149
Lesson 10	45	Lesson 35	153
Lesson 11	49	Lesson 36	157
Lesson 12	53	Word Review 6	161
Word Review 2	57	Lesson 37	163
Lesson 13	59	Lesson 38	167
Lesson 14	63	Lesson 39	171
Lesson 15	67	Lesson 40	175
Lesson 16	71	Lesson 41	179
Lesson 17	75	Lesson 42	183
Lesson 18	79	Word Review 7	187
Word Review 3	83	100 Frequently Misspelled Words	189
Lesson 19	85	Bonus Lesson	190
Lesson 20	89	Panorama of Words	214
Lesson 21	93	Bonus Review	264
Lesson 22	97	Answers	276
Lesson 23	101	Index	280
Lesson 24	105	Word List	283
Word Review 4	109	Essential Idioms in English	301
Lesson 25	111	Phrasal Verbs Organiser	307

خواننده‌ی گرامی

کتاب حاضر یک درسنامه‌ی خودآموز و شامل ۵۰۴ واژه‌ی کاربردی است که می‌توان آن‌ها را به‌وفور در روزنامه، مجله، کتاب‌ها و برنامه‌های تلویزیون، فیلم سینمایی و البته در لابه‌لای گفتار روزمره‌ی مردم مشاهده کرد.

واژه‌های منتخب در این کتاب به تناسب تعداد هفته‌های آموزشی در یک سال تحصیلی، در چهل و دو درس ارائه می‌شود که هر یک شامل دوازده واژه‌ی جدید بوده و هر واژه در قالب سه جمله‌ی متفاوت عرضه می‌گردد. در نهایت برای ایجاد جذابیت، واژگان هر درس در قالب یک متن با موضوعی جالب مرور می‌شود و در پایان هر درس تمرین‌های گوناگون برای بررسی واژگان وجود دارد. در واقع گردش و تکرار این واژگان در بخش‌های مختلف کتاب، امکان فراگیری و به‌یادسپاری آن را افزایش می‌دهد. هفت بخش (مرور واژگان) و در ادامه نیز، یک مرور اضافی و تکمیلی شامل صد و بیست و پنج واژه‌ی دشوارتر، قرار داده شده است.

شیوه استفاده از کتاب

یک دانش‌آموز دبیرستانی می‌تواند در طول سال تحصیلی خود، هر هفته به مرور و یادگیری واژگان یک درس بپردازد، خوانندگانی که به‌طور انفرادی به یادگیری مشغولند، می‌توانند برحسب دانش و توانایی خود و با سرعت دلخواه کار را پیش ببرند. با تجربه‌ترها می‌توانند بر مبنای نیازشان وارد بخش‌هایی از کتاب شوند که از قبل با آن‌ها آشنا تر هستند. برخی از آموزگاران یک روز در هفته را برای مطالعه‌ی عمیق و متمرکز واژگان اختصاص می‌دهند. به این ترتیب که در کلاس جمله‌های در بردارنده‌ی واژه‌های جدید، با صدای بلند خوانده می‌شود تا دانش‌آموزان با تلفظ و معنی یک واژه و نقش آن در جمله آشنا شوند. برای تقویت فراگیری، می‌توان مشخصات این واژه‌ها را در یک دفترچه نوشت. این بلندخوانی به همراه انجام تکالیف و پرسش‌های آخر درس تکمیل می‌گردد.

در پایان هر درس، بخشی به نام (توجه) وجود دارد که از نظر تاریخی به بررسی زبان‌شناسانه ریشه‌های واژگان می‌پردازد که می‌تواند تکلیف مناسبی برای کاربران باشد تا با مقایسه یک واژه‌ی امروزی با ریشه‌های قدیمی آن، به بحث پیرامون سیر تحول و تکامل آن واژه بپردازند.

علامت ستاره (*) در بالای یک واژه به معنی آن است که این واژه در درس‌های پیشین وجود دارد و برای تسریع در یافتن معنی آن می‌توانید به پیوست آخر کتاب (صفحه‌ی ۲۸۰) مراجعه کنید تا شماره‌ی درسی را که هر واژه برای اولین بار در آن ظاهر شده است بیابید.

کتاب حاضر برای برگزاری آزمون زبان انگلیسی در مقاطع تحصیلی رسمی، و نیز آزمون‌هایی از قبیل FCE، TOEFL، GRE، SAT، TOLOMO و IELTS معتبر و مفید می‌باشد.

تلاش شده است تا ترجمه متن تا جای ممکن به ادبیات و مکالمات روزمره ما در زبان فارسی نزدیک باشد، در جهت بهبود روش‌های آموزشی، و نیز رفع ایرادهای کار خود از نظرات و پیشنهادهای کاربران و صاحب‌نظران محترم، بیشترین بهره را خواهیم گرفت.

آموزش و فراگیری زبان

یادگیری زبان به عوامل زیادی مربوط است. خصلت‌ها، وسعت و دامنه ویژگی‌های تاریخی و زیبایی‌شناسانه‌ی زبان، شیوه آموزش آموزگار، بهره‌ی هوشی، میزان اطلاعات و دانش، انگیزه‌های متفاوت و سن و سال شخص فراگیرنده، از جمله‌ی این عوامل هستند.

فرآیند یادگیری از اسامی ذات آغاز شده و به تدریج به اسامی معنی رسیده و پس از مدتی به مفاهیم نزدیک می‌گردد. حال اگر کاربر این مفاهیم را در زبان مادری خود شناخته باشد، بسی آسان‌تر به درک معانی و مفاهیم در زبان‌های دیگر می‌رسد. برای کسب این‌گونه شناخت‌های مفهومی می‌بایستی منظم و پیوسته به مطالعه در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ادبی، ورزشی و علمی و ... پرداخته و یا هر کس حداقل در زمینه‌ی تخصصی مربوط به کار و زندگی خود به کسب اطلاعات و دانش‌ورزی بپردازد. به عبارت دیگر هر قدر میزان معلومات عمومی بالاتر رود، درک یک زبان آسان‌تر و سریع‌تر می‌شود و نیز به یاد داشته باشید که آگاهی از رموز و ظرایف و پیچیدگی‌های زبان شیرین و کم‌نظیر پارسی، که بهراستی شکر است، پیش‌شرط ضروری در فراگیری هر زبان دیگر می‌باشد.

در پرتو تلاش‌های آموزگار، شما می‌بایستی چنان کار کنید تا به مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان دست یابید. این مهارت‌ها عبارتند از (شنیدن، گفتن، خواندن، نوشتن) که هر کدام روش‌های خودویژه‌ای دارد. مادام که این مهارت‌های اصلی در حداقل‌های لازم به وجود نیاید، نمی‌توان به یک زبان غیرمادری صحبت کرد و یا به نگارش یک مقاله پرداخت.

در جهان معاصر، شناخت زبان‌های غیر مادری، به ویژه زبان فراگیر انگلیسی، نه یک تنوع‌طلبی آکادمیک، بلکه یکی از مهم‌ترین کلیدهای ارتباطی ما با تمدن شکوهمند و بالنده‌ی بشری، و از ابزارهای مؤثر در رهایی از چنبره‌ی توسعه نایافتگی و برون رفت از عقب‌ماندگی‌های تاریخی می‌باشد. پس می‌توانید مسئله را بسیار جدی بگیرید.

روش‌های آموزشی

اصولاً واژه‌ها دوست دارند که زود از ذهن و یاد ما فرار کنند، پس باید آن‌ها را بر طبق اصول و روش‌های معینی فرا گرفت. روش آموزشی شناخته شده بر اساس ریشه‌شناسی واژه‌ها (etymology) استوار است که اشاره به ریشه و بُن واژه‌ها، و توجه به شباهت‌های آن‌ها با یکدیگر دارد.

یک واژه‌ی تنها به آسانی فراموش می‌شود، زیرا معمولاً در سیستم کارکرد ذهنی ما ارزش تداعی معانی را ندارد. اما اگر به تجزیه و تحلیل اجزای تشکیل دهنده‌ی آن، همچون ریشه‌ها، پیشوندها، پسوندها و ... پرداخته شود، در یاد مانده و خیلی بیشتر در جای صحیح خود به کار می‌رود. با شناخت ریشه‌های یک واژه، در واقع گروهی از واژگان را شناخته‌ایم و اگر معنی واژه‌ای از دست برود، به زودی یا یادآوری هم خانواده‌های آن، معنی خودش به یاد آمده و در عین حال چون این ریشه‌ها در زبان‌های خویشاوند نیز به کار می‌رود، ناخودآگاه با چند زبان دیگر نیز آشنا می‌شویم.

به‌طور کلی تاکنون روش تدریس استثنال (Essential) ویژه‌ی آموزش در کشورهای اروپایی، آکسفورد (Oxford) برای قاره‌ی آفریقا و رید (Read) برای شبه قاره‌ی هند تدوین شده است، اما هنوز روشی مبتنی بر عادت‌ها و سُنن فارسی‌زبانان به وجود نیامده است، و ابداع این امر خطیر بر دوش زبان‌ورزان پارسی‌گوی قرار دارد.

Pronunciation Guide

راهنمای تلفظ واژگان

حروف صدادار

نشانه	تلفظ	مثال	معادل فارسی	نشانه	تلفظ	مثال	معادل فارسی
i:	/ bi: /	bee	ای (کشیده)	ɜ:	/ sɜ:(r) /	sir	ا (کشیده)
i	/ sɪli: /	silly	ای (متوسط)	ə	/ ə'pa:t /	apart	ا (کوتاه)
ɪ	/ kɪd /	kid	ای (کوتاه)	eɪ	/ beɪ /	bay	ای
e	/ sed /	said	ا	aɪ	/ baɪ /	buy	ای
æ	/ bæd /	bad	آ	ɔɪ	/ bɔɪ /	boy	ای
a:	/ kɑ:t /	cart	آ (کشیده)	əʊ	/ nəʊ /	know	او
ɒ	/ kɒt /	cot	آ (متوسط)	aʊ	/ naʊ /	now	او
ʌ	/ kʌt /	cut	آ (کوتاه)	ɪə	/ pɪə(r) /	pier	ای
u:	/ fu:d /	food	او (کشیده)	ʊə	/ puə(r) /	poor	او
ʊ	/ fʊt /	foot	او (کوتاه)	eə	/ peə(r) /	pair	اع
ɔ:	/ sɔ: /	saw	ا (کشیده)				

حروف بی صدا

نشانه	تلفظ	مثال	معادل فارسی	نشانه	تلفظ	مثال	معادل فارسی
p	/ pu:l /	pool	پ	n	/ nəʊ /	know	ن
b	/ bed /	bed	ب	l	/ laɪn /	line	ل
t	/ ti: /	tea	ت	r	/ reɪn /	rain	ر
d	/ deɪ /	day	د	j	/ jes /	yes	ی
k	/ kæt /	cat	ک	w	/ wi: /	we	و
g	/ gud /	good	گ	ʃ	/ ʃəʊ /	show	ش
f	/ faɪv /	five	ف	ʒ	/ vɪʒn /	vision	ژ
v	/ vɔɪs /	voice	و	tʃ	/ tʃaɪld /	child	چ
s	/ si: /	see	س	dʒ	/ dʒæk /	jack	ج
z	/ zu: /	zoo	ز	θ	/ tu: θ /	tooth	ث
h	/ haɪ /	high	ه	ð	/ ðeɪ /	they	ذ
m	/ mæn /	man	م	ŋ	/ sɪŋ /	sing	نگ

I : / ' / به معنی تکیه صوتی اول و / , / به معنی تکیه صوتی دوم می باشد.

II : (ʀ) قابلیت حذف ʀ را در تلفظ نشان می دهد «به شرط آنکه پس از ʀ حرف بی صدا باشد.»

LESSON

1

"All words are pegs to hang ideas on."

— Henry Ward Beecher *Proverbs from Plymouth Pulpit*

«همه‌ی واژه‌ها میخ‌هایی هستند که ایده‌هایمان را به آن‌ها آویزان می‌کنیم.» هنری وارد بیچر، پلاایماوت پالپیت

Words to Learn This Week

1. abandon
2. keen
3. jealous
4. tact
5. oath
6. vacant
7. hardship
8. gallant
9. data
10. unaccustomed
11. bachelor
12. qualify

1. **abandon** /əbən'dən/ desert; leave without planning to come back; quit
 - a. When Roy **abandoned** his family, the police went looking for him.
 - b. The soldier could not **abandon** his friends who were hurt in battle.
 - c. Because Rose was poor, she had to **abandon** her idea of going to college.

۱. رها کردن، ترک کردن، ول کردن، دست کشیدن از (فکر، ایده، طرح و...) قید چیزی را زدن

 - a. وقتی که «روی» خانواده‌ی خود را ترک کرد، پلیس به جستجوی او پرداخت.
 - b. آن سرباز نتوانست دوستان خود را که در جنگ صدمه دیده بودند، رها کند.
 - c. چون «روز» فقیر بود، مجبور شد از فکر رفتن به دانشگاه دست بکشد.
2. **keen** /kēn/ sharp; eager; intense; sensitive
 - a. The butcher's **keen** knife cut through the meat.
 - b. My dog has a **keen** sense of smell.
 - c. Bill's **keen** mind pleased all his teachers.

۲. تیز، برنده، مشتاق، شدید، حساس، قوی، دقیق

 - a. چاقوی تیز قصاب، گوشت را از وسط برید.
 - b. سگ من یک حس بویایی قوی دارد.
 - c. ذهن دقیق «بیل»، همه‌ی معلمانش را خشنود کرد.
3. **jealous** /jel'as/ afraid that the one you love might prefer someone else; wanting what someone else has
 - a. A detective was hired by the **jealous** widow to find the boyfriend who had abandoned* her.
 - b. Although my neighbor just bought a new car, I am not **jealous** of him.
 - c. Being **jealous**, Mona would not let her boyfriend dance with any of the cheerleaders.

۳. حسود، غیرتی، متعصب، غبطه‌خور

 - a. بیوه‌ی حسود کارآگاهی را استخدام کرد تا دوست پسرش که او را ترک کرده بود را پیدا کند.
 - b. اگر چه همسایه‌ام به تازگی یک اتومبیل جدید خریده، اما من به او حسادت نمی‌کنم.
 - c. «مونا» حسودی‌اش شد و به دوست پسرش اجازه نداد که با هیچ‌کدام از تشویق‌کنندگان برقصد.
4. **tact** /takt/ ability to say the right thing
 - a. My aunt never hurts anyones feelings because she always uses **tact**.
 - b. By the use of **tact**, Janet was able to calm her jealous* husband.
 - c. Your friends will admire you if you use **tact** and thoughtfulness.

۴. تدبیر، کاردانی، درایت، ظرافت و شعور، خوش‌زبانی

 - a. عمه‌ام هرگز احساسات کسی را جریحه‌دار نمی‌کند، چون خوش‌زبان است و تدبیر به‌کار می‌بندد.
 - b. «ژانet» با استفاده از درایت و تدبیر خود توانست شوهر حسودش را آرام کند.
 - c. اگر از شعور و تدبیر خود استفاده کنی، مورد تحسین دوستانت قرار می‌گیری.
5. **oath** /oθ/ a promise that something is true; a curse
 - a. The president will take the **oath** of office tomorrow.
 - b. In court, the witness took an **oath** that he would tell the whole truth.
 - c. When Terry discovered that he had been abandoned he let out an angry **oath**.

۵. سوگند، قسم، فحش، ناسزا، توهین، دشنام

 - a. رئیس‌جمهور فردا سوگند ریاست جمهوری می‌خورد.
 - b. در دادگاه، شاهد سوگند خورد که همه‌ی حقیقت را می‌گوید.
 - c. هنگامی که «تری» متوجه شد او را رها کرده‌اند، با عصبانیت فحش داد.

- 6. **vacant** /'vækənt/ empty; not filled
 - a. Someone is planning to build a house on that **vacant** lot.
 - b. I put my coat on that **vacant** seat.
 - c. When the landlord broke in, he found that apartment **vacant**.

- ۶. خالی خالی
 - a. کسی قصد دارد در آن قطعه زمین خالی خانه بسازد.
 - b. من کتلم را روی آن صندلی خالی گذاشتم.
 - c. وقتی که صاحبخانه با کلکسی در وارد خانه شد، متوجه شد آپارتمان خالی است.

- 7. **hardship** /'hɑ:rdʃɪp/ something that is hard to bear; difficulty
 - a. The fighter had to face many **hardships** before he became champion.
 - b. Abe Lincoln was able to overcome one **hardship** after another.
 - c. On account of **hardship**, Bert was let out of the army to take care of his sick mother.

- ۷. سختی گرفتاری، محنت، نرسد و زنجیر، محنت
 - a. آن جنگجو قبل از آن که قهرمان شود میبایستی با سختی و دشواریهای بسیار روبه‌رو میشد.
 - b. «آبراهام لینکلن» توانست یکی پس از دیگری بر سر سختیها غلبه کند.
 - c. به «برت» به اجازه داده شد به علت بیماری مادرش بیست‌وپنج روز به خانه برگردد.

- 8. **gallant** /'gælənt/ brave; showing respect for women
 - a. The pilot swore a **gallant** oath* to save his buddy.
 - b. Many **gallant** knights entered the contest to win the princess.
 - c. Ed is so **gallant** that he always gives up his subway seat to a woman.

- ۸. دلیر، شجاع، مؤدب و با احترام، با احترام
 - a. خلبان شجاع سوگند خورد که خانه درستی را نجات دهد.
 - b. بسیاری از شاهزادگان برای برنده شدن در مسابقه شایسته با یکدیگر بجنگیدند.
 - c. «دِد» آنقدر مؤدب است که همیشه در میز و صندلیها جایی را به یک خانم می‌دهد.

- 9. **data** /'dætə or 'dætə/ facts; information
 - a. The **data** about the bank robbery were given to the F.B.I.
 - b. After studying the **data**, we were able to finish our report.
 - c. Unless you are given all the **data**, you cannot do the math problem.

- ۹. داده‌ها، اطلاعات، حقایق
 - a. اطلاعات مربوط به سرقت بانک در اختیار «اف‌بی‌آی» قرار گرفت.
 - b. بعد از مطالعه داده‌ها، توانستیم گزارشی بنویسیم که نشان می‌دهد.
 - c. مگر آنقدری که همه‌ی داده‌ها را به تو ندهند، تو نمی‌توانی آن مسئله را حل کنی.

- 10. **unaccustomed** /ən ə'kʌstəmd/ not used to something
 - a. Coming from Alaska, Claude was **unaccustomed** to Florida's heat.
 - b. The king was **unaccustomed** to having people disobey him.
 - c. **Unaccustomed** as he was to exercise, Vic quickly became tired.

- ۱۰. عادت نداشتن، عادت نداشتن، عادت نداشتن
 - a. کلود از آلاسکا آمده بود.
 - b. «کلود» به گرمای فلوریدا عادت نداشت، چون آن آسرا آمده بود.
 - c. «ویک» به ورزش کردن عادت نداشت، به زودی خسته شد.

- 11. **bachelor** /'bætʃəl/ a man who has not married
 - a. My brother took an oath* to remain a **bachelor**.
 - b. In the movie, the married man was mistaken for a **bachelor**.
 - c. Before the wedding, all his **bachelor** friends had a party.

- ۱۱. مجرد، مجرد مجرد
 - a. برادر من سوگند خورد که مجرد باقی بماند.
 - b. در فیلم، مرد متاهلی را به اشتباه مجرد تصور کردند.
 - c. قبل از عروسی، همه‌ی دوستان مجرد برای او یک مهمانی گرفتند.

12. **qualify** /kwəl'ə-fi/ become fit; show that you are able
- I am trying to **qualify** for the job that is now vacant*
 - Since Pauline can't carry a tune, she is sure that she will never **qualify** for the Girls' Chorus.
 - You have to be taller than 5'5" to **qualify** as a policeman in our town.

۱۲. واجد شرایط بودن یا شدن. صلاحیت پیدا کردن. شایستگی داشتن. استحقاق یافتن

- من دارم تلاش می‌کنم شرایط لازم را برای آن شغل که الان خالی است، پیدا کنم.
- «پاولین» اطمینان دارد تا موقعی که نتواند تن صدای لازم را به‌دست آورد، برای گروه کُر دختران واجد شرایط نخواهد بود.
- شرایط لازم برای پلیس شدن در شهر ما این است که قد شما باید بالای ۵/۵ فوت باشد.

Words in Use

Read the following passage to see how the new words are used in it.

کاربرد واژگان

متن زیر را بخوانید و ببینید کلمات جدید چگونه در آن به‌کار رفته‌اند.

My Brother, the Gentleman

برادرم، این مرد محترم و شریف

The story of Sir Walter Raleigh, who spread his cloak on the ground to keep Queen Elizabeth from the **hardship** of crossing a muddy puddle, can **qualify** that nobleman for an award as a man of **tact** and good breeding. My brother Kenny, a **bachelor** with a **keen** interest in history, was impressed by that anecdote and thought he might demonstrate his excellent upbringing in a parallel situation. Accordingly he decided to **abandon** his subway seat in favor of a woman standing nearby.

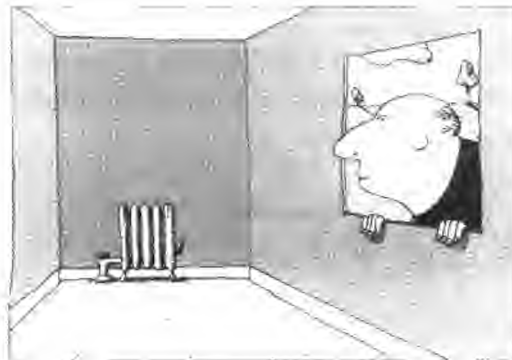
ماجرای «سر والتر رالی»، که شنل خود را برای ملکه الیزابت بر روی زمین پهن کرد تا ملکه بدون هیچ مشکلی از روی چاله‌ی آب گل‌آلود رد شود، می‌تواند این نجیب‌زاده را به‌عنوان مردی لایق و آقامنش، شایسته‌ی دریافت یک پاداش کند. برادرم «کنی»، مرد مجردی با علاقه‌ی بسیار به تاریخ، تحت‌تأثیر این قصه قرار گرفت و اندیشید که او هم می‌تواند تربیت خانوادگی والای خود را در موقعیتی مشابه نشان دهد. بنابراین تصمیم گرفت در مترو صندلی‌اش را به خانمی که در نزدیکی‌اش ایستاده بود، تعارف کند. اگرچه آن خانم به چنین رفتارهای متواضعانه‌ای عادت نداشت، اما با خوش‌حالی پیشنهاد محبت‌آمیز «کنی» را پذیرفت. اما دوست پسر غیرتی آن خانم زیر لب برادرم را دشنام داد، چون فکر می‌کرد برادرم با دوست او خوش و بش می‌کند. من هیچ اطلاعی در مورد تعداد مردان جوانی که به‌خاطر چنین رفتار محترمانه‌ای با خانم‌ها دچار مشکل می‌شوند ندارم. احتمالاً باید یک در هزار باشند. بیچاره «کنی»! او به یک صندلی که تازه خالی شده بود، اشاره می‌کرد.

Although **unaccustomed** to such generous treatment, the young woman was **pleased** to accept Kenny's kind offer. However, her **jealous** boyfriend swore an **oath** under his breath because he thought my brother was flirting with his girlfriend. I don't have any data on the number of young men who get into similar trouble as a result of a **gallant** gesture, but its probably one in thousand. Poor **Kenny**! He pointed to the now **vacant** seat.

Picture It

Which of the words studied in this lesson is suggested by the picture?

این تصویر، کدام یک از کلماتی را که در این درس خواندید بیان می‌کند؟



504

ABSOLUTELY ESSENTIAL WORDS

Sixth Edition

اگر بتوانید همه‌ی ۵۰۴ کلمه‌ای که در این کتاب توضیح داده شده‌اند، به طرز صحیحی یاد بگیرید، آن گاه شانس‌تان برای موفقیت در ESL و سایر آزمون‌های انگلیسی بسیار افزایش خواهد یافت. هر یک از ۴۲ درس این کتاب ۱۳ واژه‌ی جدید را در قالب جملات ساده به شما معرفی می‌کنند. همچنین مطالب کوتاه و جالبی را که شامل این کلمات هستند خواهید یافت. تمریناتی که در انتهای هر درس ارائه شده کمک می‌کنند تا پیشرفت یادگیری خود را مورد سنجش قرار دهید.



www.shabangbook.com



انتشارات شبانگ

